

## تبیین مؤلفه‌های تربیت فرزند در سیره امام حسین علیه السلام

زهرا زحمتکش<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۲

### چکیده

از مهم‌ترین وظایف والدین، تربیت صحیح فرزندان است. در این راستا معصومان علیهم السلام در تمام ابعاد هدایتی و تربیتی، الگوهای کامل و مطمئن به شمار می‌آیند و تکیه برگفتارها و رفتارهای تربیتی آنان در مسیر تحقق این وظیفه خطیر، بهترین ره‌توشه به شمار می‌رود. در میان معصومان علیهم السلام زندگی و سیره تربیتی امام حسین علیه السلام موقعیتی ویژه دارد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای، به تبیین مؤلفه‌های تربیت فرزند در سیره امام حسین علیه السلام پرداخته است. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که بخش پایانی عمر شریف حضرت، یعنی زمان تحقق حادثه کربلا، نکات تربیتی بیشتری را در خود دارد؛ چرا که حادثه کربلا به سبب بی نظیر بودن آن، بیش از سایر حوادث مورد توجه سیره نویسان و مورخان واقع گردیده است و اسناد بیشتری از آن در دسترس است که می‌توان از میان آن، نکات تربیتی

<sup>۱</sup>. مدرس جامعه المصطفی العالمیه؛ کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی (نویسنده مسئول)

(E-Mail: z.zahmatkesh1@yahoo.com)

ویژه‌ای را کشف کرد. امام حسین علیه السلام برای تربیت افراد، مخصوصاً فرزندان خویش از کارآمدترین شیوه‌ها بهره می‌گرفت که هر یک از آنان می‌تواند برای پدران و مادران و مربیان راه‌گشا باشد. **کلیدواژه‌ها:** تربیت، فرزندان، سیره امام حسین علیه السلام، کربلا.

### مقدمه

تربیت، مجموعه روش‌ها و راهکارهایی است که از آغاز زندگانی انسان، به کارگرفته شده است تا فرزند در مسیر صحیح رشد و ترقی قرارگیرد و درپرتو این آموزش‌ها، بتواند خود را از انحراف نجات دهد و راه سعادت و کمال را درپیش گیرد. خداوند متعال، اهل بیت علیهم السلام را برای اهل عالم، به ویژه پیروانشان، به عنوان الگو قرار داده است. هدف سیره و سنت ائمه اطهار علیهم السلام بیش از هرچیز، هدایت و تربیت است؛ زیرا آنان بزرگ‌ترین مربیان بشریت‌اند و باید تفسیر تربیتی از حوادث زندگی آنان ارائه شود. مسلمانان جهان وظیفه دارند در تمام شئون زندگی اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و غیره به آنان اقتدا نمایند. در واقع سیره و سنت ائمه اطهار علیهم السلام قبل از هرچیز هدایت و تربیت است؛ زیرا آنان بزرگ‌ترین مربیان بشریت و باید تفسیری کامل از سیره اخلاقی و تربیتی آنها در نهاد خانه و خانواده ارائه گردد.

از جمله نکات قابل توجه در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام نحوه رفتار آنان در خانواده و تربیت فرزند است. در این مقاله با مراجعه به منابع تاریخی به گوشه‌هایی از سیره اخلاقی امام حسین علیه السلام در تربیت فرزند پرداخته شده است. سیره امام حسین علیه السلام و قیام عاشورایی‌اش پرتوکامل‌ترین الگوهای ماندگار در تاریخ بشر است که زیباترین و ملموس‌ترین جلوه‌های انسانی تربیت یافته را به تصویر می‌کشند و آن را مدل برای آینده و مسیر حرکت همگان قرار می‌دهند. بنابراین سرورشهیدان و همه رفتار و گفتارش، کوثر بی‌انتهای تربیت انسان به شمار می‌رود. از این‌رو زندگی و سیره حضرت علیه السلام سرمشقی کامل از حیات طیبه برای علاقه‌مندان و پیروان ایشان است.

## جایگاه مادران شایسته

امروز بیشتر از گذشته، مادر به عنوان مؤثرترین عامل تربیتی فرزندان مطرح است؛ زیرا ساختار هویت افراد وابسته به همین نکته ظریف است تا آن جا که متون دینی ما بخشی از عوامل نیک بختی یا تیره بختی افراد را مربوط به دوران بارداری مادری دانده؛ چرا که رفتار و حالات مادر از ابتدایی ترین تا پایانی ترین لحظات این دوران، در شکل گیری شخصیت آینده کودک تأثیر می گذارد. امام حسین علیه السلام نیز آثار تربیتی دامن مادران پاک و باعفت را در تربیت فرزند تبیین می فرماید و اثر عمیق و ریشه دار آن را در زندگی افراد چنین شرح می دهد. در این بیان امام حسین علیه السلام یکی از دلایل نپذیرفتن ذلت و خواری را دامن های پاک مادرانی می داند که زمینه ساز چنین اندیشه ای هستند. در روز عاشورا نیز برای بیدار کردن دل ها و اتمام حجت و برهان بر همگان، نسبت خود را به حضرت فاطمه و خدیجه علیها السلام یادآور می شود (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴/۳۴۱).

انشدکم السهل تعلمون ان امی فاطمة الزهراء بنت محمد؟ قالوا: اللهم نعم. انشدکم الله هل تعلمون ان جدتی خدیجة بنت خویلد اول نساء هذه الامة اسلاماً؟ قالوا: اللهم نعم ...؛ (ابی مخنف، ۵۱۷: ۷۲۴)

شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید مادر من فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی که اسلام را پذیرفته، مادر بزرگ من است؟ گفتند: آری. امام حسین علیه السلام به معاویه فرمود: سعادت ما در اثر تربیتی است که از دامن مادرانی پاک و پارسا چون فاطمه و خدیجه یافته ایم.

## گزینش نام نیک

با توجه به این که نام هر کسی تا پایان زندگانی تا بلوی وجود اوست و نام نیک، تأثیری بسزا در شخصیت فرزند دارد. در اسلام، سفارش فراوانی برگذاشتن نام نیک بر کودکان شده است. در واقع نام هر شخص، معرف اعتقادات، فرهنگ، ملیت و اصالت خانوادگی اوست. صاحبان نام زیبا، در آینده به آن افتخار می کنند و صاحبان نام های

ناشایست، از نام خود احساس حقارت خواهند کرد (پاک‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۶). همچنین از حقوق مسلم کودک بر والدین، انتخاب نام نیک و شایسته برای اوست. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در این زمینه الگویی شایسته به شمار می‌رود. شیخ مفید اسامی فرزندان آن حضرت را این‌گونه برمی‌شمرد: علی، جعفر، عبدالله، سکینه و فاطمه (تبریزی گرمودی، ۱۴۲۲: ۱۴۷). در واقع امام حسین علیه السلام نام‌های نیک را ترویج می‌کرد و در این باره به صاحبان آن نام‌ها و والدینشان درود می‌فرستاد.

هنگامی که جنازه خونین حرّ را در آخرین لحظات زندگی به حضورش آوردند، حضرت با دستان مبارک خود، صورت او را نوازش کرد و در حالی که خون چهره‌اش را پاک می‌کرد، فرمود:

يَخَّ بَخٍ لَكَ يَا حُرُّ، أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سُمِّيتَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ مَا أَخْطَأَتْ أُمَّكَ إِذْ  
سَمَّيْتِكَ حُرًّا فَأَنْتَ وَاللَّهُ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَسَعِيدٌ فِي الْآخِرَةِ؛ (ابن طاووس، ۱۴۲۲: ۱۹۲)

به‌به! احسنت به تو ای حرّ! تو آزادمردی، چنان‌که در دنیا و آخرت آزاده خوانده می‌شوی. سوگند به خدا! مادرت در این‌که تو را حرّ نامیده اشتباه نکرده است. به خدا قسم! تو در دنیا آزادمرد و در آخرت سعادتمند خواهی بود.

### اظهار محبت به فرزندان

محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل والدین نهاده است؛ اما مسئله مهم در این میان مهم که آثار تربیتی در پی دارد، ابراز آن است. این امری اختیاری است و والدین می‌توانند در پرتو آن، زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند، اما آن را ابراز نمی‌کنند، در حالی که محبت هنگامی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد (رجبی، ۱۳۹۳: ۲۱).

امام حسین علیه السلام به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالب‌های گوناگون گاه با درآغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت‌آمیز به

ابراز آن می پرداخت. عبیدالله بن عتبه چنین می گوید:

كنت عندالحسين بن علي عليه السلام اذ دخل علي بن الحسين الاصغر فدعا الحسين عليه السلام و  
ضمه اليه ضمّاً و قبل مابين عينيه ثم قال: بابي انت اطيب ريحك و احسن  
خلقك...؛ (طريحي، ۱۳۷۵: ۴۰۴)

نزد حسين بن علي عليه السلام بودم که علي بن حسين عليه السلام وارد شد. حسين عليه السلام او را صدا  
زد، در آغوش گرفت و به سينه چسبانيد. ميان دو چشمش را بوسيد و سپس  
فرمود: پدرم به فدایت باد؛ چقدر خوشبو و زیبایی!

### توجه به نیازهای مادی فرزندان

نیازهای مادی احتیاج اولیه هر انسان است و بدون تأمین آن، قادر به ادامه حیات  
نیست. امام حسین عليه السلام در تأمین خوراک و پوشاک مناسب همسر و فرزندان همت و توجه  
داشت، نیاز به رفع تشنگی از جمله نیازهای مادی است که در کربلا به سبب وضعیت  
ویژه ای که دشمن برای کاروان کربلا به وجود آورد، به نیازهای حیاتی تبدیل شد و ایشان را  
به تلاش، برای رفع آن از راه های ممکن واداشت؛ از این رو، آن گاه که حضرت عباس عليه السلام از  
برادر اجازه مبارزه با دشمن طلبید، حضرت از او خواست برای کودکان آب فراهم نماید و  
فرمود:

فاطلب لهؤلاء الاطفال قليلا من الماء؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۴۱؛ شریفی، ۱۳۸۳: ۴۷۳)  
پس کمی آب برای این کودکان فراهم کن:

این توجه حضرت آن گاه به اوج می رسد که فرزند شیرخواره اش را بر بالای دست  
می گیرد و از دشمن برایش آب می خواهد. در مقتل ابي مخنف آمده است:

امام حسین عليه السلام به سوی زينب صغرى عليها السلام آمد و فرمود: خواهر! تو را درباره فرزند  
شیرخواره ام به نیکی سفارش می کنم. او شیرخواره است و شش ماه بیشتر عمر  
ندارد. زينب صغرى عليها السلام به برادر جواب داد: سه روز است این طفل آب ننوشیده  
است؛ برایش آبی طلب فرما. حضرت طفل را گرفت و در مقابل دشمن ایستاد و  
آن گاه فرمود: ای قوم! شما برادر و فرزندانم را به شهادت رساندید و جز این طفل

باقی نمانده و او از تشنگی دهان را بازمی کند و می بندد، به او جرعه آبی دهید.  
(ابی مخنف، ۵۱۷: ۱۲۸؛ شریفی، ۱۳۸۳: ۴۷۴)

### ضرورت مهرورزی و توجه به نیازهای عاطفی فرزندان

رشد معنوی و تربیت اخلاقی مستلزم پرورش سالم عواطف فرزندان است. افزون بر اهمیت نیازهای زیستی، نقش نیازهای عاطفی و روانی نیز بسیار با اهمیت و تعیین کننده است؛ زیرا هرچند نیاز جسمی محسوس و آشکار است و فقدانش جسم را متأثر می گرداند، اما نیازهای روحی و روانی نا محسوس اند و عدم پاسخ گویی به آنها روان آدمی را آزرده می سازد. کودکان و نوجوانان به سبب موقعیت سنی و آسیب پذیری در برابر مشکلات، نیاز دوچندان به برآوردن نیازهای عاطفی و روانی دارند. این نیازها، به ویژه در شرایط خاص، از دست دادن والدین، هنگام بیماری و... چنان شدت می یابد که بی توجهی به آنها حیات روانی و عاطفی کودک را به مخاطره می اندازد. این شرایط ویژه به کامل ترین شکل در کربلا برای فرزندان امام حسین علیه السلام جلوه کرد. فرزندان و همراهان آن حضرت در میدان مبارزه، در سخت ترین حالات، امام علیه السلام را صدا می زدند و در واپسین لحظات، اوج نیاز عاطفی خویش را به نمایش می گذارند.

در کربلا بیماری چون علی بن الحسین علیه السلام حضور دارد که تقدیر الهی بر بقای وجودش تعلق گرفت و از دست دادن پدر و امام خویش را تجربه نمود. این وضعیت خاص قطعاً توجهی ویژه را می طلبید و این جامست که آن حضرت به گونه های مناسب به نیاز فرزندان پاسخ می دهد و نسبت به فرزندان که به میدان مبارزه آمده اند، به گونه ای و به یگانه فرزندش زین العابدین علیه السلام به گونه ای دیگر. در مورد یتیمان و داغدیدگان پس از شهادت خویش نیز به شکلی دیگر سفارش می فرماید (قائمی، ۱۳۶۸: ۸۵).

### بهره گیری از کلمات دلپذیر در سخن

سخن گفتن به گونه ای معرف شخصیت کسی است که لب به سخن می گشاید و از سوی دیگر، لحن و صوت و کلمات می تواند در اطرافیان تأثیری سازنده و یا مخرب داشته باشد. سخن نرم، نیکو و محبت آمیز می تواند از مشکلات روحی و ناهنجاری های



کودکان و نوجوانان بکاهد و محبت را در قلب و دل بزرگسالان ریشه دارتر نماید. در مقابل، تندخویی در سخن می تواند سبب افسردگی، گوشه گیری، بدبینی یا ناامیدی در آنان گردد. اکنون نمونه هایی از ارتباط کلامی امام حسین علیه السلام با فرزندان و یارانش بازگو می نمایم.

الف) در هنگام گفت و گویا دخترش سکینه برای تسکین دردهای روحی وی، این گونه می فرماید:

یا نورعینی، کیف لا یستسلم للموت من لا ناصر له ولا معین؛ (قمی، ۱۳۶۴: ۱۲۵)  
ای نور چشم من! چگونه کسی که یآوری ندارد، تسلیم مرگ نباشد.

ب) آن هنگام که برادرش عباس علیه السلام را برای جست و جواز علت حرکت سپاه دشمن می فرستد، علاقه قلبی خویش را به او با این عبارت ابراز می دارد:

یا عباس، اربک بنفسی انت - یا اخی - حتی تلقاهم فنقول لهم: مالکم؟ وما بدا لکم  
و تسئلهم عما جاد بهم؛ (قندوزی، ۱۴۱۶: ۳۴۲)  
برادرم عباس، جانم به فدایت! سوار شو و به نزد آنان برو و بگوشما را چه شده  
است؟ چه می خواهید؟ و از سبب آمدن سپاه بپرس.

ج) هنگامی که قاسم علیه السلام از شهادت خود پرسید، امام حسین علیه السلام به او چنین فرمود:

ای والله - فداک عمک - انک لاحد من یقتل من الرجال معی؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۵۷۴)  
آری، عمویت فدایت باد، به خدا سوگند! تو هم در ردیف مردانی هستی که با من  
شهید خواهند شد.

د) در آخرین لحظات، هنگام خدا حافظی، امام سجاد علیه السلام را در آغوش کشید و فرمود:  
پسرم تو پاکیزه ترین فرزندان من هستی و بهترین خاندان من هستی. تواز طرف  
من، سرپرست این زنان و کودکان خواهی بود.

## رفتار حضرت نسبت به فرزند بیمارش زین العابدین علیه السلام

خواست الهی بر این تعلق گرفت که علی بن الحسین حجت او بعد از امام حسین علیه السلام، بیمار باشد تا جهاد بر او واجب نشود و همچنان زمین از حجت الهی خالی نماند و این وضعیت جلوه دیگری از تربیت حسینی را می‌طلبید. در حالی که شدت مبارزه و مصیبت‌های پیایی کربلا، انسان معمولی را چنان به خود مشغول می‌کند که همه چیز را فراموش می‌کند. مربی بزرگ کربلا از مسئولیت بزرگ تربیت غافل نماند و چون فرزند خود را نیازمند توجه و مراقبت دید، بر بالینش آمد و گفت وگویی صمیمانه به پرسش‌های او درباره حوادث کربلا پاسخ داد (علاء الدین، ۱۳۹۰: ۱۵).

در منابع تاریخی آمده است که حضرت به سوی خیمه فرزندش زین العابدین آمد و در حالی که فرزندش برفروشی از پوستین استراحت می‌نمود و زینب علیها السلام از او پرستاری می‌کرد، امام سجاد علیه السلام را عیادت نمود. وقتی زین العابدین علیه السلام نگاهش به پدر افتاد؛ خواست از بستر برخیزد، اما از شدت بیماری قادر به برخاستن نبود. از عمه‌اش زینب علیها السلام خواست کمکش کند. زینب خود را تکیه‌گاه او قرار داد. امام حسین علیه السلام از وضعیت بیماری فرزندش سؤال کرد. زین العابدین علیه السلام حمد و سپاس خداوند را به جا آورد و از پدر پرسید: در این روز با این قوم منافق چگونه رفتار کردی؟ پدر فرمود:

فرزندم! شیطان بر آنان مستولی گشت و آنان را از یاد خدا غافل کرد. (نوری طبرسی،

۱۴۰۹: ۱۵/۴۸۵)

## تربیت عملی امام حسین علیه السلام در خانواده با فرزندان

مؤثرترین عامل در تربیت اخلاقی و دینی فرزندان رفتارهای درست والدین است. مسلماً دعوت عملی و زبان رفتار خیلی بیشتر از زبان گفتار در انسان‌ها تأثیرگذار است. کودک و نوجوانی که پیوسته شاهد اعمال نیک والدین است، به طور غیرمستقیم سرمشق می‌گیرد و به انجام کارهای نیک تشویق می‌گردد. در سیره تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام تربیت با رفتار و عمل بارزترین بُعد تربیت است. فرزندان ائمه علیهم السلام با دیدن رفتار آنان سرمشق گرفته، عمل می‌کردند. امام حسین علیه السلام الگوی کاملی از این گونه تربیت بودند.



شعیب بن عبدالرحمن خزائی می‌گوید:

هنگامی که امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید، بر دوشش نشانه‌ای وجود داشت. از امام سجاده علیه السلام درباره آن پرسیدند. امام سجاده علیه السلام بسیار گریست و فرمود: «این، اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوشش حمل می‌کرد و به خانه‌های تهی‌دستان می‌برد. (بحرانی، ۱۴۱۴: ۱/۵۸۲)

آری، امام سجاده علیه السلام پیوسته این رفتار را از پدرش دید و سرمشق گرفت و عمل کرد. بدین سبب، امام باقر علیه السلام فرمود:

[پدرم] علی بن الحسین علیه السلام شب‌ها کیسه نان بر دوش حمل می‌کرد و [به مستمندان] صدقه می‌داد. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴/۱۵۳)

### تشویق فرزندان در برابر کار خوب آنان در سیره تربیتی امام حسین علیه السلام

در تربیت، تشویق شیوه‌ای کارآمد و موفق است و اگر با شرایط صحیح انجام شود، محرکی بسیار قوی در ایجاد و تکرار رفتارهای پسندیده در فرزندان خواهد بود. از این رو والدین و مربیان باید ویژگی‌های مثبت فرزندان را کشف و برجسته سازند و مورد ستایش و تشویق قرار دهند. در فرهنگ اسلامی که تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در کانون توجه است، بر تشویق فرزندان هنگام بروز رفتارهای دینی و برجسته کردن صفات اخلاقی و معنوی آنان بسیار تأکید شده است. در سیره امام حسین علیه السلام تشویق، جایگاهی ویژه دارد. ابن شهر آشوب می‌گوید:

جعفر، یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام، در نزد معلمی به نام عبدالرحمن سلمی در مدینه آموزش می‌دید. روزی معلم جمله «الحمد لله رب العالمین» را به کودک خردسال حضرت سیدالشهدا علیه السلام آموخت. هنگامی که جعفر آن را برای پدر ارجمندش قرائت کرد. حضرت حسین علیه السلام معلم را فراخواند و با اهدای هدایایی ارزشمند او را تشویق نمود. هنگامی که به خاطر اعطای پاداش زیاد به معلم، مورد اعتراض اطرافیان قرار گرفت، فرمود: هدیه من کجا با تعلیم «الحمد لله رب العالمین» برابر است؟! (امین، ۱۴۰۳: ۱/۲۲۳)

امام سجاد علیه السلام نیز می فرماید: من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم به بالینم آمد و فرمود:

ماتشتهی؟ فقلت: اشتھی ان اکون ممن لا اقترح علی الله ربی ما یدبره لی؟ فقال لی: احسنت ضاهیت ابراهیم الخلیل صلوات الله علیه حیث قال جبرئیل علیه السلام: هل من حاجه؟ فقال: لا اقترح علی ربی بل حسبی الله ونعم الوکیل؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۶۷؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱ / ۶۹)

چه خواسته ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آن چه خداوند برایم تدبیر کرده، نپرسم؟ پدرم در مقابل این جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی؛ به هنگام گرفتاری جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می خواهی؟ او در جواب فرمود: [درباره آن چه پیش آمده] از خداوند سؤال نمی کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است.

در این حدیث ملاحظه می شود که امام حسین علیه السلام در مقابل پاسخ عارفانه و دلنشین فرزندش که براساس ظاهر حدیث، سن و سال چندانی نیز نداشت، جمله «احسنت» را به کاربرد و او را به «ابراهیم خلیل» تشبیه کرد. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۷۵)

### توجه به آموزش های دینی فرزندان

یکی از سیره های مستمر در خاندان رسالت علیهم السلام اهمیت دادن به آموزش های دینی فرزندان شه شمار می آید. امامان معصوم تحت تعلیم و تربیت پدران عزیز خویش به مدارج عالی از علم و ادب دست یافته اند.

امام سجاد علیه السلام یکی از حقوق فرزندان را آموزش های دینی می داند و در تاریخ آمده است شخصی به نام عبدالرحمن در مدینه معلم کودکان بود و یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام به نام «جعفر» نزدش آموزش می دید. معلم جمله «الحمد لله رب العالمین» را به جعفر آموخت. هنگامی که جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت امام حسین علیه السلام معلم فرزندش را فراخواند و هزار دینار و هزار حله به او هدیه داد. وقتی حضرت به خاطر پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود:



وانی تساوی عطیتی هذا بتعلیمة الحمد لله رب العالمین؛ (بحرانی، ۱: ۱۳۸۷، ۵۸۲؛  
نوری طبرسی ۱۴۰۹: ۱۵/ ۱۶۴)

هدیه من با تعلیم «الحمد لله رب العالمین» برابر است؟

این سخن، نشانه اهمیت قائل شدن ایشان به تربیت دینی فرزندشان است.

### توجه به پرسش‌های فرزندان

هنگامی که فرزندان به سن بلوغ و رشد عقلانی می‌رسند، سؤالاتی در ذهن آنان مطرح می‌شود که پاسخ صحیح و منطقی به آن در پرورش اندیشه آنان بسیار مؤثر است. در چنین وضعیتی بر والدین بصیر و آگاه است که زمینه پرسش‌گری را برای فرزندانشان فراهم کنند و پای صحبت‌های آنان بنشینند و با صبر و حوصله به پرسش‌هایشان پاسخ مناسب دهند و ابهامات را مرتفع سازند. حادثه کربلا، که موقعیت جدیدی در زندگی امام حسین علیه السلام به شمار می‌آمد - پرسش‌هایی را در ذهن فرزندان و دیگر همراهان حضرت ایجاد کرد و ذهن کنجکاو آنان را به پرسش‌گری وا داشت. حسین بن علی علیه السلام با درک موقعیت آنها، به سؤالاتشان پاسخ‌های مناسب می‌داد. به دو نمونه از پاسخ‌گویی حضرت اشاره می‌کنیم:

۱. هنگامی که حضرت به همراه اصحابش هنگام ظهر در ثعلبیه فرود آمد، خوابی کوتاه بر آن حضرت مستولی شد. پس از اندکی با چشمی گریان از خواب برخاست. فرزندش «علی» که متوجه این صحنه بود، پرسید: ای پدر! چرا گریه می‌کنی؟ خداوند چشم تو را نگریاند. فرمود: «فرزندم! این لحظه، وقتی است که رویا در آن دروغ نخواهد بود. من در خواب سواره‌ای را دیدم که کنارم ایستاد و گفت: «ای حسین! شما به سرعت حرکت می‌کنید و مرگ به سرعت شما را به بهشت می‌رساند. آگاهی یافتم که مرگ ما فرا رسیده است.» علی پرسید: ای پدر! آیا ما بر حق نیستیم؟ فرمود: «فرزندم! به خداوندی که همه بندگان به سوی او برمی‌گردند، ما بر حق هستیم.» علی عرض کرد: در این صورت ترسی از مرگ نداریم. امام فرمود: «خداوند بهترین پاداش پدر به فرزند را به تو عطا فرماید.» (قمی،

۱۳۷۹: ۲۳۰؛ سپهر، ۱۴۲۷: ۲/ ۲۲۰)

۲. قاسم بن الحسن یادگار حضرت مجتبیٰ علیه السلام، هنگامی که در شب عاشورا از عمویش امام حسین علیه السلام شنید که به اصحابش بشارت می‌دهد، فردا تمامی آنها شهید خواهند شد، از جای برخاست و از امام علیه السلام پرسید: عموجان! آیا من هم در میان شهدا خواهم بود؟ امام حسین علیه السلام فرمود: «پسرم! مرگ را چگونه می‌بینی؟» نوجوان خوش سیما با تمام خلوص و صفا پاسخ داد: «شیرین تر از عسل».

قاسم پرسید: آیا من هم در ردیف شهدای کربلا خواهم بود؟ امام پاسخ داد: عمویت به فدای تو باد! آری، به خدا قسم تو را هم در ردیف یارانم خواهند کشت؛ حتی کودک شیرخواره ام عبدالله را نیز به شهادت می‌رسانند. (خوانساری، ۱۳۶: ۶/۲۱۴)

### رفتار حضرت با فرزندان و نوجوانان در میدان جنگ

آن چه از مقاتل برمی‌آید، این است که حضرت نسبت به فرزندان و برادرزادگانش که به میدان مبارزه می‌رفتند، رفتارهای گوناگونی داشت. نخست در هنگام رفتن به میدان با در آغوش گرفتن آنان و اظهار علاقه و محبت، صحنه‌هایی زیبا از عاطفه و محبت را به نمایش می‌گذاشت. در مورد «قاسم بن الحسن» آمده است:

قاسم در حالی که نوجوانی غیربالغ بود، به طرف میدان رهسپار شد. وقتی امام حسین علیه السلام نگاهش به قاسم افتاد، او را در آغوش کشید. آن دو، دست به گردن هم آویختند و چنان گریستند که بی‌هوش شدند. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۵: ۱/۳۴؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۴۷؛ شریفی، ۴۶۴: ۱۳۸۳)

در مرحله بعد، وقتی آنان در میدان مبارزه، در مقابل شرایط نابرابر، گرمای شدید و تشنگی قرار گرفتند، آنان را به صبر دعوت کرد و دل‌داری داد و اظهار همدردی نمود. در مورد «احمد بن حسن» نوشته‌اند:

پس از آن که در میدان جنگ، شرایط مبارزه توان را از او گرفت، نزد عمویش حسین علیه السلام آمد و پرسید: عمو [جان] آیا جرعه آبی هست تا جگر خود را با آن خنک کنم و برای مبارزه با دشمنان خدا و رسولش توان بیشتری پیدا کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «یا بنی! اصبر قليلا، حتی تلقی جدک رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، فیسقیک

شربه من الماء لاتظماء بعدها ابدا؛ فرزندم! کمی صبرکن تا جدت رسول خدا را ملاقات کنی. او چنان شربت آبی به تو بنوشاند که هرگز تشنه نشوی». (حرانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶؛ طبری، ۱۹۷۹: ۴۶۹)

درباره «علی اکبر» نیز آمده است:

بعد از مبارزه ای بی‌امان و کشتن تعدادی از دشمنان در حالی که جراحات زیاد بر بدن داشت، عطش بر او بسیار ناگوار آمد. پس نزد پدر آمد و عرض کرد: «یا ابا! العطش قد قتلنی وثقل الحدید قد اجهدنی فهل الی شربه من ماء وسبیل اتقوی بها علی الاعداء؟ فبکی الحسین علیه السلام وقال یا بنی یغز علی محمد وعلی وعلی ابیک ان دعوهم فلا یجیبونک وتستغیث بهم فلا یغیثونک...؛ ای پدر! عطش مرا از پای در آورد و سنگینی اسلحه مرا ناتوان کرد. آیا شربت آبی هست تا با نوشیدن آن، توان بیشتر، با دشمنان مبارزه کنم؟ امام فرمود: فرزندم! بر محمد و علی و پدرت سخت است که آنان را بخوانی و به تو پاسخ ندهند و به یاری بخواهی و آنان فریاد رس تو نباشند... (تجلیل، ۱۳۸۶: ۶۹۱؛ بحرانی، ۱۴۲۹: ۱/۵۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۳۵۱)

در مرحله سوم، آن گاه که پس از مبارزه بی‌امان فرزندان توسط دشمن مجروح شدند و بر زمین افتادند، حضرت به رعیت خود را بر بالینشان رسانید و آنها را در آغوش گرفت. در آن لحظات حساس که فرزندان نیاز بیشتری به تسلی خاطر داشتند، با آنان ابراز همدردی نمود. آن گاه که قاسم بن الحسن بر زمین افتاد و عمومی خود را صدا زد، امام حسین علیه السلام چون باز شکاری خود را بر بالین فرزند برادر رساند و مانند شیر خشمگین بر دشمن حمله ور شد. وقتی گرد و غبار فرو نشست، دیدند امام علیه السلام بر بالین قاسم نشست و به قاسم علیه السلام که در حال جان دادن بود، فرمود:

عز والله علی عمک ان تدعوه فلا یجیبک او یجیبک فلا یعنک او یعنک فلا یغنی عنک بعدا لقوم قتلوک؛ (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۴۸۵؛ تبریزی گرمرودی، ۱۴۲۲: ۱۴۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴/۲۱۷)

به خدا سوگند، بر عمومی تو سخت است که او را بخوانی، ولی پاسخ ندهد، یا

اجابت نماید، ولی نتواند کمک کند، یا کمک کند، اما به توسودی نبخشد. [از رحمت] خداوند دور باد قومی که تو را کشت!

### نقش آزادی و انتخاب در تربیت فرزندان

در تربیت فرزندان اجبار ثمری ندارد. خداوند انسان را آزاد آفرید و قدرت اراده و انتخاب به او بخشید تا در پرتو آن از میان راه‌های مختلف مسیر صحیح را برگزیند. آن چه انسان در پرتو شناخت و بدون اکراه و اجبار برگزید، در راه تحقق و دستیابی به آن تا پای جان می‌ایستد. عنصر آزادی بجا و انتخاب درست در تربیت، عنصری گرانبها و کارآمد است. والدین و مربیان باید چنان زمینه را آماده کنند که فرزندان خود راه صحیح را برگزینند تا بر آن چه به حق برگزیده‌اند، پایبند و استوار باشند. از جلوه‌های تربیتی حادثه عاشورا، صحنه آزادی و انتخاب راه بود (همت بناری: ۱۰). امام حسین علیه السلام با این که در کربلا به شدت نیازمند داشتن یاور بودند، با کمال صداقت و راستی فرزندان و دیگر یاوران خود را در ادامه مسیر آزاد می‌گذارد و با این که بر فرزندان خود حق بزرگ دارد، اما هیچ‌گاه راه مبارزه و همراهی خود را بر آنان تحمیل نمی‌کند و از این روست که می‌بینیم آنان نیز که آگاهانه همراهی پدر و امام خویش را برگزیدند، در راهش تا آخرین نفس ایستادند و جان خویش را فدای راهش نموده‌اند.

ابوحزمه ثمالی از علی بن الحسین علیه السلام نقل می‌کند که در شب عاشورا پدرم اهل و فرزندان خود و اصحاب را جمع کرد و خطاب به آنان فرمود:

ای اهل و فرزندان و ای شیعیان من! از فرصت شب استفاده کنید و جان‌های خود را نجات دهید.... شما در بیعتی که با من بسته‌اید آزاد هستید. (حائری مازندرانی،

۱۳۸۵: ۲/۴۰۱؛ سپهر، ۱۴۲۷: ۲/۲۲۰)

نیز آن حضرت هنگامی که عبدالله فرزند مسلم نزد ایشان آمد و اجازه میدان طلبید

فرمود:

شما در بیعت با من آزاد هستی؛ شهادت پدرت کافی است. تو دست مادرت را بگیر و از این معرکه خارج شو. عبد الله عرض کرد: به خدا سوگند من از کسانی



نیستیم که دنیا را بر آخرت مقدم داریم. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۶۸؛ باقری، ۱۳۸۶: ۹۸)

### سفارش به فرزندان یتیم و بازماندگان

از آن جا که فرزندان و بازماندگان کاروان کربلا نظاره گردل خراش ترین صحنه ها بودند، به توجهی عمیق نیاز داشتند. از این رو، امام حسین علیه السلام با تمام گرفتاری ها و مصائب، وضعیت روحی و روانی فرزندان را برای پس از شهادت خود پیش بینی کرد و در واپسین لحظات، تنها فرزند بازمانده خود، امام زین العابدین علیه السلام را به توجه، مراقبت و درک وضعیت روحی آنها سفارش فرمود و آن چنان شرایط روانی و روحی شان را ترسیم نمود و مشاوره های لازم تربیتی را به ایشان ارائه داد که هر آشنا به مسائل روان شناسی و تربیتی را به شگفتی وامی دارد. امام علیه السلام فرمود:

... يَا وَلَدِي أَنْتَ أَطْيَبُ ذُرِّيَّتِي وَأَفْضَلُ عَثْرَتِي وَأَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى هَؤُلَاءِ الْعِيَالِ وَالْأَطْفَالِ فَإِنَّهُمْ غُرَبَاءٌ مَحْذُولُونَ قَدْ سَمَلَتْهُمْ الذِّلَّةُ وَالْيَيْتَمُ وَشِمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ وَنَوَائِبِ الزَّمَانِ، سَكَّتْهُمْ إِذَا صَرَخُوا وَأَنْسَهُمْ إِذَا اسْتَوْحَشُوا وَسَلَّ حَوَاطِرَهُمْ بِلَيْتِنِ السَّلَامِ فَإِنَّهُمْ مَا يَقِي مَنْ رَجَاهُمْ مَنْ يَسْتَأْنِسُونَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا أَحَدَ عِنْدَهُمْ يَشْكُونَ إِلَيْهِ حُزْنَهُمْ  
سواک: (تجلیل، ۱۳۸۶: ۴۸؛ رجبی، ۱۳۹۳: ۲۹)

فرزندم! تو پاکیزه ترین ذریه و بافضیلت ترین خاندان من هستی. بعد از من تو سرپرست کودکان و اهل بیته. آنان پس از من غریب هستند و به خواری کشیده می شوند. خواری، یتیمی، شماتت دشمنان و مصیبت های زمان آنها را دربر گرفته است. هرگاه ناله و گریه آنان بلند شد، آرامشان گردان. در هنگام ترس همراهشان باش. با سخنان نرم، تسلی خاطرشان بده. از مردان آنها جز تو کسی که با او انس بگیرند، باقی نمانده است و جز تو کسی را که شنوای شکوه ها و درد دل هایشان باشد، ندارند.

### احترام به افکار و انتخاب جوانان در امر ازدواج

جوانان به سبب کمی تجربه به استفاده از تجارب و نصایح والدین نیازمندند؛ اما آنان دیگر دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته و به حدی از رشد رسیده اند که خود حق

انتخاب داشته باشند و برای خود تصمیم بگیرند. از این رو، شایسته است والدین در دوران کودکی و نوجوانی زمینه استقلال و قدرت تصمیم‌گیری آنها را فراهم آورند و آنان را چنان تربیت کنند که سمت انتخاب‌های معقول و تصمیم‌هایی منطقی پیش روند و مصالح واقعی‌شان را بر منافع آنی و زودگذر ترجیح دهند. اگر فرزندان به این حد از رشد و استقلال رسیدند. باید به آنان اعتماد کرد و به تصمیم‌ها و انتخاب‌هاشان احترام نهاد. جوان در طول زندگی با انتخاب‌های گوناگون روبه‌روست و یکی از مهم‌ترین آنها‌گزینش همسراست. در این مسئله، چنان‌چه فرزند از قدرت انتخاب صحیح و معقول برخوردار است، باید به وی حق انتخاب داد و از ازدواج‌های تحمیلی پرهیز کرد (همت بناری، ۱۳۷۹: ۴).

حسن، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام یکی از دختران امام حسین علیه السلام را خواستگاری کرد. امام حسین علیه السلام به او فرمود: «اختریا بنی اجتهما الیک؛ فرزندم! هرکدام را بیشتر دوست داری انتخاب کن». فرزند امام مجتبی علیه السلام شرم کرد و جوابی نداد. آن‌گاه امام حسین علیه السلام فرمود: «من دخترم فاطمه را برایت انتخاب کرده‌ام؛ زیرا او به مادرم فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شبیه‌تر است.» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴/۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۱۶۳؛ بحرانی، ۱۴۲۹: ۲/۳۰۶).

چنان‌که می‌بینیم، با این‌که فرزند امام مجتبی علیه السلام به احترام عمو و دخترانش به طور مشخص، از دختری خاص خواستگاری نکرد و امر را به عمویش و انهاد، امام حسین علیه السلام به انتخاب و علاقه فرزند برادرش اهمیت داد و از او خواست خودش آن را که بیشتر دوست دارد به همسری برگزیند.

#### رفتار حضرت نسبت به فرزندان در لحظه وداع

امام حسین علیه السلام در واپسین لحظه‌های زندگی خویش، شرایط ناگوار خانواده و فرزندان، غصه یتیمی و از دست دادن نزدیک‌ترین عزیزان از یک طرف و طی مسیر کربلا تا شام و از شام به مدینه و همراهی دشمنان سنگدل را از سوی دیگر مجسم کرد. در چنین شرایطی آن امام همام شیوه دعوت به صبر و بردباری و توجه دادن به نصرت الهی را برگزید که با دم



حسینی خود، روح خسته آنان را توانی دوباره ببخشد و عزمشان را برای دست‌یابی به همه اهداف، تقویت نمایند. در مقاتل آمده است:

هنگامی که امام علیه السلام همه یارانش را دید که شهید شده‌اند، برای وداع به خیمه‌ها آمد و ندا دادند: ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب! آخرین درود و سلام من بر شما باد. سکینه صدا زد: ای پدر! آیا تن به مرگ داده‌ای؟ فرمود: کسی که یاور ندارد، چگونه تن به مرگ ندهد؟ (حائری مازندرانی، ۱۳۸۵: ۱/۲۲ - ۲۳)

طبق نقلی دیگر فرمود:

ای نور چشم من! کسی که یار و یآوری ندارد، چگونه تسلیم مرگ نشود؟ ولی [فرزدم] رحمت و نصرت خداوند در دنیا و آخرت به همراه شماست. دخترم! بر قضای الهی، صبرپیشه کن و زبان به شکوه مگشای؛ زیرا دنیا محل گذراست، ولی آخرت خانه همیشگی است.

سکینه گریست. امام حسین علیه السلام دختر عزیزش را به سینه چسباند و اشک‌هایش را پاک کرد و اشعاری خواند که ترجمه‌اش چنین است:

ای سکینه جانم! بدان که بعد از شهادتم، گریه تو بسیار خواهد شد. دل مرا با افسوس، به سرشک خود مسوزان تا جان در بدن دارم. پس وقتی که کشته شدم تو بر هر کس نزدیک‌تر به بدن من هستی که کنارم بیایی و گریه کنی، ای برگزیده بانوان! (حرانی، ۱۳۹۴: ۱۸۷؛ امین، ۱۴۰۳: ۲/۲۵)

طبق نقل سوم، آن حضرت به فرزندان و خواهران چنین توصیه نمود:

خودتان را برای گرفتاری آماده کنید و بدانید خداوند نگهدار و یاور شماست و شما را از شر دشمنان نجات می‌بخشد و عاقبت امرتان را به خیر خواهد کرد، دشمنانتان را با انواع بلاها عذاب خواهد نمود و به شما، در برابر این گرفتاری، انواع نعمت و کرامت عطا خواهد کرد. پس زبان به شکوه مگشایید و سخنی مگویید که از منزلت و ارزش شما بکاهد.

## نتیجه

در جهت تبیین الگوهای رفتاری در حوزه تربیت فرزند، سیره معصومان علیهم السلام مبین مناسب‌ترین الگوست. سیره امام حسین علیه السلام به عنوان سومین پیشوای شیعیان مبین‌الگوایی جامع و کامل در حوزه تربیت به شمار می‌آید. در این راستا توجه به نیازهای گوناگون از نکات مهم تربیتی است؛ نیازهایی که در قالب‌های زیستی، عاطفی، روانی و معنوی جلوه‌گر می‌شود. امام حسین علیه السلام در طول زندگی با شیوه‌هایی که در پیش روی خود داشت، از توجه به نیازهای مادی و معنوی فرزندان و همراهان خود غافل نماند.

ذکر این نکته مفید است که گوناگونی شرایط زمانی ائمه اطهار علیهم السلام باعث شده آنان با وجود آرمان مشترک، در عرصه دعوت و تربیت، شیوه‌های گوناگون داشته باشند. بنابراین ضمن آن که همه زندگی و سیره حضرت، سرمشقی کامل از حیات طیبه، برای پیروانش است، سیره تربیتی ایشان در حادثه کربلا نیز برای کسانی که زندگی‌شان به شرایط زمانی آن حضرت بیشتر شبیه است و می‌خواهند حسینی باشند، اهمیت بیشتری دارد. در این راستا در پژوهش حاضر، افزون بر طرح دیدگاه‌های امام حسین علیه السلام درباره تربیت فرزند به موضوعاتی همچون گزینش نام نیک، اظهار محبت به فرزندان، توجه به نیازهای مادی و عاطفی فرزندان، تربیت عملی امام حسین علیه السلام در خانواده با فرزندان، تشویق فرزندان در برابر کار خوب آنان، توجه به پرسش‌های فرزندان، اهمیت دادن به آموزش‌های دینی فرزندان، رفتار حضرت با فرزندان و نوجوانان در میدان جنگ، احترام به انتخاب جوانان در امر ازدواج، رفتار حضرت نسبت به فرزندان در لحظه وداع و بروز و ظهور فضایل و رفتارهای درس‌آموز آن حضرت نسبت به تربیت فرزند مطرح شده است.



## منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵ش)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *مناقب آل ابی طالب*، بیروت، دارالاضواء.
- ابن طاوس، رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی (۱۴۱۴ق)، *التهوف فی قتلی الطفوف*، بیروت، دارالاسوه.
- امین، محسن (۱۹۹۶م)، *لواعج الاشجان فی مقتل الحسین علیہ السلام*، بیروت، دارالأمیر للثقافة والعلوم.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف.
- ابی مخنف، لوط بن یحیی (۵۱۷ق)، *مقتل ابی مخنف*، تصحیح وترجمه: حجت الله جودکی، قم، انتشارات خیمه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶ش)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، علامه، چاپ اول.
- بحرانی، هاشم (۱۳۸۷ش)، *مدینه معجز الأئمة الاثنی عشر ودلائل الحجج علی النبش*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۴ق)، *حلیة الأبرار فی أحوال محمد ﷺ وآله الأطهار علیهم السلام*، بیروت، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۲۹ق)، *عولم العلوم والمعارف والاحوال من الایات والاکخبار والاقوال*، قم، مؤسسه الامام المهدي.
- پاک نیا، عبدالرحیم (۱۳۸۳ش)، «امام حسین علیہ السلام الگوی زندگی»، مبلغان، ش ۶۳.
- تبریزی گرمودی، محمدرفیع (۱۴۲۲ق)، *ذریعة النجاة، التاریخ الكامل لواقعه کربلا*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- تجلیل، جلیل وهمکاران (۱۳۸۶ش)، «نخستین مترجم لهوف»، نشریه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی، ش ۱۸۳، تهران، دانشگاه تهران.

- حائری مازندرانی، مهدی (۱۳۸۵ق)، *معالی السبطين في أحوال السبطين الإمامين الحسن والحسين* (ترجمه بخش امام حسین علیه السلام)، قم، صحیفه خرد.
- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی بن حسین (۱۳۹۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه: آیت الله کمره ای، قم، اسلامیة.
- حسینی، سید جواد (۱۳۸۹ش)، *فضائل و مناقب امام حسین علیه السلام*، قم، آل البيت.
- خوانساری، آقا جمال (۱۳۶۶ش)، *شرح بر غرر الحکم و درر الکلم*، تهران، دانشگاه تهران.
- رشیدپور، مجید (۱۳۷۹ش)، *تربیت کودکان از دیدگاه اسلام*، تهران، فرهنگ اسلامی.
- رجبی، محمدرضا (۱۳۹۳ش)، «تربیت فرزند در سیره امام حسین علیه السلام»، *مبلغان*، ش ۱۷۸.
- سپهر، محمد تقی (۱۴۲۷ق)، *ناسخ التواریخ در احوالات حضرت سید الشهداء علیه السلام*، قم، مدین، چاپ اول.
- شریفی، محمود و همکاران (۱۳۸۳ش)، *موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام*، قم، دارالاسوة للطباعة والنشر.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۷۹م)، *تاریخ الرسل والملوک*، قاهره، انتشارات دارالمعارف.
- طبرسی، رضی الدین ابی نصر الحسن بن فضل (۱۴۰۸ق)، *مکارم الاخلاق*، بیروت، دارالحوراء.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، بیروت، مکتبة المرتضویه.
- علاء الدین، سید محمدرضا (۱۳۹۰ش)، «پاسداری از نهاد خانواده در سیره امام حسین علیه السلام»، *کوتر*، ش ۴۰.
- قائمی، علی (۱۳۶۸ش)، *پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان با تأسی از زندگی اهل بیت علیهم السلام*، تهران، ارشاد اسلامی.
- قمی، عباس (۱۳۸۴ش)، *منتهی الآمال*، ترجمه: رضا استادی، تهران، مبین اندیشه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، *نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم*، ترجمه: آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، مؤسسه نشر شهر.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *ینابیع المودة لبدوی الثمینی*، بیروت دارالاسوة

للطباعة والنشر.

- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدر اخبار الائمه الاطهار عليهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- مفید، ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، آل البيت عليهم السلام.
- نجفی، محمد جواد (۱۳۶۴ش)، زندگانی حضرت امام حسین عليه السلام، تهران، اسلامیه، چاپ سوم.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۹ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم.
- همت بناری، علی (۱۳۷۹ش)، «امام حسین عليه السلام و تربیت فرزند ۱ و ۲»، فرهنگ کوثر، ش ۳۸.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی